

نغمه صاحبی دکتری تخصصی برنامه ریزی روستایی گرایش آمایش محیطی

بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی

با رویکردهای توسعه پایدار

نغمه صاحبی^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، ایران
چکیده:

فرهنگ و یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی در برگیرنده اقتصاد، معیشت، نحوه زیست، طرز مصرف خوراک و پوشاک، مسکن، سیاست، آداب و رسوم، نظام ازدواج و خویشاوندی، تفکرات مذهبی و متافیزیکی و همه امور انسانی و غیرانسانی است. همانطور که می دانیم توسعه برای تحول انسان است و خود هدف نیست، بلکه ابزاری است تا انسان را متناسب با مکانی که در آن زیست می کند به جایگاه و موقعیت شایسته اش برساند. در این میان توسعه روستایی بهبود شرایط زندگی توده های کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنها است. اغلب دانشمندان که با مسائل شهری و روستایی در ارتباط اند، اعتقاد دارند باید در روستاها تحولی بنیادین ایجاد شود و تنها راه حل، ارتقای سطح زندگی مردم در روستاها توجه به رویکردهای توسعه پایدار و توسعه همه جانبه روستاهایی است. محققان در این مقاله می کوشند به این سؤال اساسی که آیا بین فرهنگ و توسعه پایدار مناطق روستایی رابطه معناداری وجود دارد؟ پاسخی مستدل ارائه کنند. این مقاله یک پژوهش کاربردی است، روش مطالعه به صورت توصیفی تحلیلی است که گردآوری اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است نتایج به دست آمده از تحقیق نشانگر وضعیت نامطلوب توسعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار در نواحی روستایی است و در این بین سهم فرهنگ به کلی فراموش شده است. چون که وضعیت کلی اجتماعات روستایی در ایران نشان می دهد که برنامه های فرهنگی و برنامه های توسعه پایدار در نواحی روستایی با توجه به نقش و جایگاه آن در این نواحی انطباقی با الگوی توسعه نداشته و از آنجایی که برنامه های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه ها دور مانده اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی از (بعد فرهنگی) بر جای گذاشتند.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، فرهنگ، توسعه روستایی

مقدمه

هر جامعه بشری سیستم اجتماعی، فرهنگی خود را دارد که به طور کلی نمودی خاص و بی همتا از فرهنگ آن جامعه است، البته که این سیستم ها از نظر ساخت با هم متفاوتند و در هر سیستم با توجه به زیستگاه های طبیعی، منابع، زبان و غیره، فرهنگ خاصی حاکم می گردد

توسعه را به معنای

کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه ریزی شده برای نیل به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی می توان پدیده ای نوظهور در قرن بیستم دانست که از سال ۱۹۱۷ میلادی از اتحاد جماهیر شوروی سابق آغاز شد و از دهه های بعد نگرش ساختاری به مفهوم توسعه، پویایی، تداوم و پایداری آن با توجه به ابعاد فضایی - مکانی مد نظر قرار گرفت و توسعه به مثابه ابزاری برای تعادل و آشتی میان نظام اکولوژیکی با نظام اقتصادی - اجتماعی گردید (افتخاری، آقایی هیر، ۳۲:۱۳۸۶). تا اینکه در سال ۱۹۷۰ میلادی رویکردهای توسعه به ویژه توسعه روستایی در بسیاری از کشورهای دنیا به خصوص در کشورهای جهان سوم مطرح شد، که هدفی چون کاهش فقر در نواحی روستایی، تأمین نیازهای اساسی، ارتباط دوسویه بین شهر و روستا و پیوند ساختاری بین آنها، گسترش کشاورزی و دامپروری، توسعه عدالت اجتماعی در نواحی روستایی را مورد توجه قرار داد. (ISRDS.2000.30) اگرچه مفهوم توسعه روستایی از لحاظ محتوا و کارکرد در راستای سازماندهی توسعه در نواحی روستایی، به طور مداوم تغییر کرده است. اما توسعه روستایی بعنوان راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی، اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است. از آنجا که هدف اصلی توسعه روستایی کاهش فقر است برنامه های توسعه روستایی باید به منظور افزایش تولیدات، بهره وری، توسعه منابع انسانی و گسترش فرصت های اشتغال طراحی شود و روند توسعه نیز نباید بنیان های محیطی را تخریب کند با توجه به ماهیت چندبعدی فعالیت های توسعه روستایی و این باور که برنامه های توسعه روستایی با تمرکز بر یک بعد تحقق نمی یابد، عبارت توسعه پایدار و یا توسعه همه جانبه برای توجه به اهداف مختلف توسعه روستایی استفاده می شود (رضوانی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). همان گونه که آشکار است هدف دولت ها از گسترش فرهنگ در نواحی روستایی حمایت از برنامه های عمومی، ارتقای سطح تعلیم و تربیت، بهبود ارزش ها سال ششم - شماره ۶۷ و ۶۸ در چارچوب رهیافت مطلوب توسعه برای مناطق روستایی که با توسعه پایدار روستایی شناخته می شود، توسعه روستایی مبتنی بر رویکردی کلی نگر و سیستمی است که دربردارنده ابعاد بنیادی، شکل دهنده نظام توسعه روستایی و با توجه به، هم پیوندی موزون میان آنان است، تعاریف و مضامین توسعه پایدار، اجزای اساسی این توسعه همانا پیشرفت اقتصادی، رفاه اجتماعی، کیفیت محیطی و حکمروایی خوب محسوب می شوند. در این میان، همان گونه که کمیسیون توسعه

پایدار نیز تصریح دارد، ابعاد توسعه پایدار در برگزیده خصیصه های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که بیانگر مفهومی موزون و به هم پیوسته در قالب کلیتی واحد و دارای تعامل است (پورطاهری، سجاسی، صادقلو، ۱۳۸۸: ۲). بیشتر نواحی روستایی در سراسر جهان دارای مشخصاتی شبیه به هم هستند که در این بین ویژگی هایی چون توزیع فضایی جمعیت، فعالیت های کشاورزی، استفاده از منابع محلی، تماس های چهره به چهره، فرهنگ ها، سنت ها، آداب و رسوم و غیره در خور توجه است. (ISRDS.2000.31) اما در سطح ملی و به خصوص در مناطق روستایی، اهمیت فرهنگ در دو جنبه خلاصه می شود، نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می کند (مظاهری، کاوسی، موسوی، ۱۳۸۸: ۸). چرا که از عوامل ایجاد تحول در یک جامعه میزان انعطاف پذیر و باز بودن محیط فرهنگی یک جامعه است. هرچه جامعه از نظر عقیدتی انعطاف پذیرتر باشد آثار و نقش فرهنگ سریع تر خواهد بود (پورطاهری، افتخاری، نیکبخت، ۱۳۹۰: ۱۱۷). همان طور که جدول ۱ نشان می دهد می توانیم چهره فرهنگی غالب در جامعه خودمان را مشاهده کنیم در نتیجه براساس تعاریفی که از توسعه و توسعه پایدار روستایی شده است توسعه پایدار به عنوان تأمین نیازهای فعلی افراد و استفاده از منابع بدون به خطر افتاد آن برای نسل های بعدی مفهوم دو چندان می یابد که می توانیم به این رویکردهای اساسی مطرح شده در کنفرانس ریو توجه کنیم. در این بین فرهنگ در بعد رویکردهای اجتماعی جای گرفته که تحولات دهه اخیر ابعاد توسعه این هویت بشری را دستخوش تحولات کرده است و نقش آن به خصوص در مناطق روستایی بیشتر به سوی ضدیت علیه فرهنگ بومی - محلی پیش رفته است

مبانی نظری

واژه آلمان به کار برده شده؛ اما نه به معنای امروزی، بلکه به معنای کشت و کار و بهسازی است در واقع یکی از عوامل اساسی که باعث پیدایش مفهوم تازه های برای فرهنگ شد، پدید آمدن مفهوم پیشرفت در تاریخ بود. در دوره رنسانس برخلاف دوره های پیش این احساس در افراد به وجود آمد که انسان ناخواسته به چیزهای بزرگ و تازه هایی دست یافته و پیشرفت زیادی کرده و علت آن هم خردورزی و همه گیر شدن روشن اندیشی بود (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۳). رالف لینتون؛ فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می داند که به وسیله اعضای گرایش کم به عقلانیت و قاعده مندی، زنانگی در برابر مردانگی، فاصله قدرت بالا که البته با توجه به رخ دادن انقلاب اسلامی امکان تغییر آن را به فاصله قدرت پایین باید مدنظر قرار داد، بی اعتمادی و بدبینی به دیگران، جمع گرایی در برابر فردگرایی، خاص گرایی در برابر عام گرایی، تجدد و نوگرایی توجه به مظاهر دنیای متجدد، بی توجهی به زمان، پذیرش ابهام، قبول، تردید در زندگی، تقدیرگرایی، دینداری،

انگیزه موفقیت و غیره جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و میان افراد مشترک است (خاکپور، شیخ)

مهدی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). همچنین شاین فرهنگ را در سه سطح مختلف تعریف می کند مظاهر فرهنگ که شامل تمام پدیده هایی که قابل دیدن، شنیدن و لمس کردن هستند و البته کشف مفهوم آنها بسیار دشوار است سطح ارزش های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری (که نشان دهنده اولویت ها یا چیزهایی هستند که باید انجام شوند). مفروض های اساسی که شامل عقاید درست فرض شده و غیرقابل مجادله، ادراک ها، افکار و احساس ها هستند و منبع نهایی ارزش های عملی به شمار می روند (موحدی، ۱۳۸۵: ۳) توسعه فرهنگی در جامعه ما دربرگیرنده سه بخش است «culture» یا همان فرهنگ که از زبان کلاسیک لاتین ریشه می گیرد،

فرهنگ بنیادی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ عمومی

الف) فرهنگ بنیادی در واقع تعیین کننده خطوط کلی، زیربناها و آرمان های فرهنگی جامعه است و یکی از فراورده های بسیار مهم این بخش که کلیه فعالیت های توسعه اجتماعی به آن متکی است، مبانی معرفتی مورد نیاز است یعنی اندیشه سیاسی، اندیشه فرهنگی، اندیشه نخبگان فرهنگی جامعه که در برنامه ریزی و اجرای فعالیت های فرهنگی دخالت چندانی ندارند ب) فرهنگ تخصصی، اصول و خطوط کلی فرهنگ جامعه که در بخش فرهنگ بنیادی ساخته شده است و توسط گروهی خاص از اندیشمندان و متخصصین هر بخش از فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته و زمینه های مفهوم یافته، قابلیت استفاده برای اجرا می یابد. این گروه به عنوان حلقه واسطه بین بنیان گذاران فرهنگی و ارائه کنندگان فعالیت های فرهنگی عمل می کنند ج) فرهنگ عمومی، مفاهیم و دستاوردهای فرهنگی در قالب های مختلف و از طریق نرم افزارها و ابزارهای گوناگون به جامعه عرضه می گردد. این مفاهیم برحوزه تمایلات، اندیشه ها و رفتارها تأثیر می گذارند و می توانید آنها را در جهت تکامل و یا تنازل توسعه دهند مراکز و افرادی که عهده دار انجام فعالیت های فرهنگی هستند مانند: صدا و سیما، رسانه های مطبوعاتی و اطلاعاتی، نویسندگان، مبلغان دینی و غیره در این گروه جای دارند

(ناظمی اردکانی، کشاورز، ۱۳۸۵: ۶)

ارتباط فرهنگ با توسعه

و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار فرهنگ مناسب برای توسعه است. محور توسعه، انسان است و انسان، اساسی ترین نقش را در توسعه ایفا می کند و همان طور که می دانیم انسان همواره درگیر انتخاب است و فعالیت های اقتصادی نیز در قالب این انتخاب شکل می گیرند. مجموعه فعالیت های اقتصادی انسان ها، سیمای کل اقتصاد جامعه را می سازد. در واقع اگر جامعه ای به توسعه دست می یابد این توفیق را مرهون فعالیت و تلاش گسترده اعضای خویش می داند که با انجام انتخاب های خاص و به دنبال آن فعالیت های اقتصادی خویش آن را غنیمت بخشیده اند. انتخاب انسان ها و به دنبال آن فعالیت های اقتصادی آنها - که نتیجه انتخاب است - سخت تحت تأثیر عوامل فرهنگی شکل می گیرند. انتخاب معیار می خواهد و معیار مسئله ای ارزشی است و هر مسئله ارزشی جزئی از فرهنگ است، بنابراین ارتباط تنگاتنگی بین توسعه و فرهنگ وجود دارد. به عبارت دیگر می توان چنین گفت که توسعه ملی به ویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مستلزم رفتارهای خاص به ویژه در زمینه های مختلف زندگی انسانی است و شدیداً به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابسته است. در واقع فرهنگ، تغییرات اساسی در طرز تفکر و شیوه رفتار افراد به وجود می آورد که بنیان توسعه پایدار بر آن استوار است (قبادی، ۱۳۸۸: ۱). تاریخ فرهنگ ایران از نظر استقامت و ثبات در بقا و دوام، استعداد قابل ملاحظه ای نشان می دهد امیل گروسه «در این مورد می نویسد، ایران حق بزرگی به گردن بشریت دارد، زیرا به شهادت تاریخ، ایران با فرهنگ نیرومند و ظریفی که در طی قرون به وجود آورده وسیله تفاهم و توافق و هماهنگی را میان ملل ایجاد کرده است، در اثر نفوذ افکار و فرهنگ ایران؛ نژادهای مختلف دارای ایمان و عقیده مشترک شده اند» (شمس، امینی، ۱۳۸۸: ۸۶).

روستا و توسعه پایدار

روستا چیست؟

”ده“ (یا ”قریه“) به معنی سرزمین است. از نظر تقسیمات کشوری، ”ده“ (یا ”روستا“ و یا ”آبادی“) در ایران، کوچکترین واحد سکونت و اجتماعی-سیاسی است. کشور به چندین استان (دارای استاندار)، هر استان به چند شهرستان (دارای فرماندار)، و هر شهرستان به چند بخش (دارای بخشدار)، و هر بخش به چند شهر (دارای شهردار) و روستا (دارای کدخدا) تقسیم می شود. البته به مجموعه ای از چندین ده هم دهستان گفته می شود که مسؤول آن دهیار نامیده می شود .

مطابق سرشماری هایی که در کشور انجام می شود، به نقاطی که کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته

باشند روستا، و به نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر شهر گفته می‌شود. البته استثنائاتی نیز (علیرغم ملاک مذکور) وجود دارد. مردم روستا، از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند به همین جهت بعدها، در تعریف روستا، شغل کشاورزی نیز به عنوان اساس کار روستاییان اضافه گردید. البته تعاریف دیگری نیز از روستا (یا ده) در کشور وجود دارد که از مجموع آن‌ها می‌توان این تعریف را ارایه نمود .

روستا، عبارت از محدوده‌ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده که نسبت به هم دارای نوعی احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک هستند، در آن تجمع می‌یابند و بیشتر فعالیت‌هایی که برای تامین نیازمندی‌های زندگی خود انجام می‌دهند، از طریق استفاده و بهره‌گیری از زمین و درون محیط مسکونی‌شان صورت می‌گیرد. این واحد اجتماعی که اکثریت افراد آن به کار کشاورزی اشتغال دارند در عرف محل، ده نامیده می‌شود .

براساس مطالعات جهانی، تعریف روستا در کشورهای مختلف، دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. مثلاً در آمریکا بیشتر بر مفهوم "مناطق روستایی" تاکید می‌شود که بیانگر نواحی دارای چگالی جمعیتی کم است در حالیکه در بعضی کشورهای دیگر همچون ایران نیز روستا بر اساس میزان جمعیت تعریف می‌شود. به عنوان مثال، ملاک جمعیت روستا در فرانسه ۲۰۰۰ نفر، در بلژیک ۵۰۰۰ نفر، در هلند ۲۰۰۰۰ نفر و در ژاپن ۳۰۰۰۰ در نظر گرفته شده است .

توسعه روستایی چیست؟

از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. از آن‌جاییکه عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارایه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم‌بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع ارضی (در مقابل رشد جمعیت)، و عدم مدیریت صحیح مسئولان بوده است. به همین جهت، برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید "توسعه روستایی" متولد گردید .

بنا بر تعریف، برنامه‌های توسعه روستایی، جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. اینگونه برنامه‌ها را که دولت‌ها و یا عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می‌کنند، دگرگونی اجتماعی براساس طرح و نقشه نیز می‌گویند. این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت‌ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف

سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند، مورد پیدا می‌کند. از سوی دیگر توسعه روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست.

در گذشته بعضی مدیران و سیاست‌گذاران امر توسعه، صرفاً بر "توسعه کشاورزی" متمرکز می‌شدند که امروز نتایج نشان داده است که توسعه روستایی صرفاً از این طریق محقق نمی‌شود. روستا جامعه‌ای است که دارای ابعاد اجتماعی مختلف است و نیازمند توسعه همه‌جانبه (یعنی توسعه روستایی) است نه صرفاً توسعه کسب‌وکار و نظامی به نام "کشاورزی". هرچند باید گفت که از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی‌شود. چون اولاً فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی‌شود (بیشتر عاید زمین‌داران، بخصوص مالکان بزرگ، می‌شود)، ثانیاً افزایش بهره‌وری کشاورزی باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می‌شود (حداقل در درازمدت) و این خود باعث کاهش اشتغال روستاییان و فقر روزافزون آنان و مهاجرت بیشتر به سمت شهرها می‌شود.

استراتژی‌های توسعه روستایی

کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغالی در روستاها (بدون در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغالی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی‌توان متوقع موفقیتی پایدار بود.

رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی را اینگونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود

• رویکردهای فیزیکی-کالبدی

استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. بعنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها

و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

• رویکردهای اقتصادی:

استراتژی انقلاب سبز

این استراتژی دارای دو معنای به‌نسبه متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوریکه این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد. دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (بویژه گسترش انواع بذرهای اصلاح‌شده گندم و برنج) و تولید زیاد آنان است. براساس مطالعات میسر، انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اخلافتی مابین نواحی روستایی (بخاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است.

استراتژی اصلاحات ارضی

اکثر کشورهای جهان، برای گذار از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه (همچون میردال و تودارو)، اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد نیز، به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصیص اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا افزوده نمی‌شود.

استراتژی صنعتی نمودن روستاها

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حایز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها (به‌خصوص آسیایی‌ها) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

الف) ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیت‌های درآمدزا،

ب) رواج مراکز روستایی دست پایین. اهداف عمده این استراتژی را می‌توان اینگونه برشمرد:

ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه‌بیکار در یک منطقه

- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری
- تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی
- استفاده کامل (بیشتر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه
- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی
- تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی
- بیشتر اینگونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد (کوچک‌مقیاس) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از ابزارهای پیشرفته‌تر برای کار خود بهره برده و بدلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغالزایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند .

استراتژی رفع نیازهای اساسی

این استراتژی در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل)، برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌شود .

محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از :

- تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از ”رشد“ به سمت ”نیازهای اساسی“ که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر از ”رشد اقتصادی“ به ”توسعه اقتصادی“).
- چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی و واقعی
- کاهش بیکاری
- از این رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان، در کانون مرکزی این استراتژی قرار می‌گیرد و اهداف رشدمحور جای خود را اهداف مصرفی می‌دهند که در مناطق روستایی با سرمایه و واردات کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام هستند .

رویکردهای اجتماعی-فرهنگی

استراتژی توسعه اجتماعی

استراتژی توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی-اجتماعی را توأمأ شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تامین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید .

استراتژی مشارکت مردمی

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت

طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد.

محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از :

تاکید بیشتر بر نیازهای مردم

- تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
 - بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند
 - کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
 - تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها)
- مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است. این مشارکت می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع، و ارزیابی وجود داشته باشد.

رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای

استراتژی‌های تحلیل مکانی

والتر کریستالر (1933) بر مبنای نظریات جی.اچ.فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه "مکان مرکزی" را ارایه نمود که براساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (و بالتبع سروساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا) به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی-مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند.

سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به طور خلاصه اینگونه معرفی نمود :

- **نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن) :** این نظریه به تحلیل چگونگی استفاده و سروساماندهی به زمین‌های کشاورزی می‌پردازد. براساس این نظریه فعالیت‌های کشاورزی و ارزش زمین‌ها متناسب با فاصله آن‌ها از بازار (شهری) تعریف می‌شود (دوایر متحدالمرکزی حول شهرها).
- **نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر) :** براساس این نظریه، صاحبان صنایع می‌کوشند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود برگزینند که با حداقل هزینه تولید محصول و توزیع آنان (هزینه‌های حمل‌ونقل) همراه باشد. در واقع زنجیره‌ای از جریان کالا، خدمات و اطلاعات (وزن و نحوه تعامل آن‌ها) ما را قادر به مکان‌یابی صحیح صنایع می‌کند.

نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر براساس این نظریه، هر مکانی که موقعیت مرکزی می‌یابد با تولید و توزیع هرچه‌بیشتر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف (یا منطقه نفوذ) به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد، به همین خاطر، چنین مکان‌های مرکزی، خدمات بیشتری را در خود متمرکز می‌سازند. برمبنای این نظریه، نقاط مرکزی در قالب نظامی سلسله‌مراتبی (مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد) عمل می‌نمایند. طبق این نظریه، خریداران، کالاها و خدمات موردنیاز خود را از نزدیک‌ترین بازار فروش در دسترس تهیه می‌کنند.

• **استراتژی توسعه روستا-شهری**

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی "نیازهای پایه" سازمان جهانی کار (۱۹۷۶)، استراتژی توسعه روستا-شهری یا منظومه کشت-شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی "مرکز-پیرامون" و استراتژی نیازهای پایه را دانست. تحقیقات فریدمن (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش "مرکز" و "پیرامون" تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی‌شدن در مرکز و حاشیه‌ای‌شدن در پیرامون است. استراتژی نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از استراتژی‌های متداول تولیدمحور، صنعت‌مدار و شهرگرا به سمت استراتژی‌های مردم‌محور، کشاورزی‌مدار و روستاگرا. استراتژی روستا-شهری برمبنای الگوی مرکز-پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از استراتژی نیازهای پایه (رفع فقر و ایجاد اشتغال، خوداتکایی، و تامین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کند: درون‌گرایی، حفاظت‌گرایی، خودگردانی (خودکفایی)، و نهادینه‌سازی مشارکت.

• **استراتژی یوفرد**

این استراتژی برپایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل این مراحل می‌گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژی‌های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای. این استراتژی با ارایه اطلاعات فراوان و ذی‌قیمتی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، آنان را در توزیع سرمایه‌گذاری‌ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می‌دهد. برمبنای این استراتژی، وجود شهرک

روستا یکی از عرصه‌های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهای

آثار فرهنگ جدید بر ساختار روستاها:

۱- از خود بیگانگی فرهنگی که در آن؛ افراد هویت فرهنگی خود را فراموش می‌کنند،

۲- شکاف طبقاتی، اجتماعی و اقتصادی که منجر می شود به اینکه افرادی به جهت امکانات مادی، اقتصادی و یا سیاسی بر دیگران برتری یابند،

۳- اضمحلال فرهنگی، به خصوص در خرده فرهنگ ها که توسط فرهنگ مهاجم، باورها و اصول یک فرهنگ نابود می شود؛

۴- تضاد بین نسل ها بین سالمندان و جوانان در پذیرش یا عدم پذیرش مفاهیم،

۵- کمرنگ شدن اخلاق با ورود تکنولوژی های جدید، ماهواره و اینترنت که از مظاهر جهانی شدن هستند،

۶- فروپاشی معنویت که با پررنگ شدن مفهوم فرهنگ غربی و کمرنگی مفاهیم دینی و مذهبی صورت می گیرد (عزومی، ۱۰۳: ۱۳۸۷)

نتیجه گیری

قرن بیست و یکم در شرایطی آغاز شده که هنوز برنامه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است و باید برای آنها راه حل های مناسب جستجو کرد. فرهنگ؛ بازتابش زندگی دیرینه در زیست بومی است که جوامع بدان خو می گیرند و در دوره های مختلف و تحت تأثیر عوامل گوناگون صور مختلفی می یابند؛ ولی هسته نژادی - سنتی خود را همچنان حفظ می کنند. فرهنگ در باورهای امروزی، پوششی از نوسنگی را به نمایش می گذارد، از این رو کلیت هم تافته ای است که از نظام مفهوم ها و کاربردها، سازمان ها و مهارت ها دارد. مناطق روستایی در زمان حاضر با مشکلات بسیاری مواجه اند و در عین حال با انتخاب های متفاوتی نیز برای آینده روبه رو هستند. بنابراین تصمیمات متعدد توسعه ای برای مناطق روستایی وجود دارد که باید اقدامات لازم در مورد آنها به عمل آید. از طرف دیگر به نظر می رسد که روستاها به عنوان دومین سکونتگاه های جمعیتی کشور در مطالعات مختلف کمتر مورد توجه قرار می گیرند و به همین دلیل توسعه آن ها با چالش بیشتری مواجه است، در زمینه روش های ارزیابی توسعه پایدار باید اذعان داشت که اغلب به تدوین چارچوبی برای شاخص ها بسنده شده است و نتایج به دست آمده نشانگر وضعیت نامطلوب توسعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار در نواحی روستایی است. در نتیجه بررسی وضعیت کلی بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار اجتماعات روستایی در ایران نشان می دهد که برنامه های توسعه پایدار در نواحی

روستایی با توجه به نقش و جایگاه آن در این نواحی انطباقی با الگوی توسعه پایدار ندارد. از آنجا که برنامه های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه ها دور مانده اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی (از بعد فرهنگی) برجای نهاده اند

منابع:

- ۱- انصاری، ابراهیم. (۱۳۷۵). مشارکت و نقش ارزش های فرهنگ روستایی در توسعه، پژوهشگاه علوم انسانی و
- ۲- الگوی مسکن روستایی، نمونه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین. فصلنامه فضای جغرافیایی
- ۳- افتخاری، عبدالرضا و آقا یاری هیر، محسن. (۱۳۸۶). سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱.
- مطالعات فرهنگی، نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۸. ۴
- ۵- بابایی فرد اسداله. (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی سال دهم، شماره ۳۷.
- ۶- بهرامی، رحمت الله. (۱۳۸۶). چالش های عمده توسعه روستایی؛ مطالعه موردی استان کردستان، فصلنامه تحقیقات
- ۷- پورطاهری، مهدی و سجاسی، حمداالله و صادق لو، طاهره. (۱۳۸۸). سنجش و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه بندی براساس تشابه به حل ایدئال فازی مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده
- ۸- پورطاهری، مهدی و رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و نیکبخت، منصوره. (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر دانشگاه آزاد واحد اهر. سال یازدهم، شماره ۳۵.

- ۹- حسن زاده، داوود و ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۸۸). بررسی جایگاه توسعه پایدار در اجتماعات روستایی ایران،
- ۱۰- خاکپور، مژگان و شیخ مهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان،
- ۱۱- دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره رحیمی، حسین. (۱۳۷۷). نقش فرهنگ در توسعه پایدار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، سیاسی ۲۷.
- ۱۲- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). برنامه ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرایندها) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۱۳.
- ۱۴- دشتی، سولماز و منوری سیدمسعود، سبزقبائی غلامرضا. (۱۳۸۷). راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار روستایی
- با استفاده از ارزیابی توان محیط زیست حوضه آبخیز زاخرد، علوم محیطی، سال ششم، شماره دوم. ۱۵.
- ۱۵- شمس، مجید و امینی، نصیره. (۱۳۸۸). ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
- ۱۶- صیدائی، سیداسکندر و دهقانی، امین. (۱۳۸۹). نقش مشارکت های مردمی در توسعه روستایی، با تأکید بر سال ششم - شماره ۶۷ و مرداد و شهریور ۶۸ ۱۳۹۱
- ۱۷- مشارکت سنتی و جدید مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان نورآباد ممسنی، جامعه شناسی کاربردی سال
- ۲۰ - قبادی، امین. (۱۳۸۸). بررسی نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی، برگرفته از سایت قبادی بلوغا
- ۲۱- فاضل نیا، غریب و توکلی، مرتضی و تاجبخش، کاظم. (۱۳۸۹). ارزیابی برنامه های توسعه روستایی در مناطق
- روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، فصلنامه تحقیقات فرهنگی دوره سوم، شماره ۲۲.۳-

۲۳- فتحی، سروش و مطلق، معصومه. (۱۳۸۹). رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات

و ارتباطات (ICT)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم

-عبیری، غلامحسین. (۱۳۸۹). فرهنگ و توسعه و توسعه فرهنگی، بانک و اقتصاد شماره ۱۰۷. ۲۴

عزیمی، آئیژ. (۱۳۸۷). جایگاه توسعه اجتماعی ایران در راستای سند چشم انداز، راهبرد یاس، شماره ۲۵. ۱۵

۲۶ غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۰). اصول و مبانی برنامه ریزی فرهنگی، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، چاپ اول

۲۷ موحدی، مسعود. (۱۳۸۵). فرهنگ ایرانی و توسعه، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)، برگرفته از سایت ایران کالچر

۲۸ مظاهری محمد مهدی، اسماعیل کاوسی، موسوی سیدرضا. (۱۳۸۸). ارائه الگوی مناسب جهت تعیین اولویت های

۲۹ مراکز فرهنگی و تحول آنها براساس رویکرد اسلامی ایرانی، مطالعه موردی سازمان فرهنگی هنری شهرداری مشهد، فصلنامه بصیرت شماره ۴۴-

۳۰- ناظمی اردکانی، مهدی و کشاورز، سوسن. (۱۳۸۵). مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران.

31 -Guidelines .in Massachusetts, public funding for the arts, humanities, and interpretive sciences

is provided through a central state agency. 2011

32- Nzier.Sustainable development Nzier s standard terms of engagement for contract research

can be found at www.nzier.org.nz.2005

33- Sdm.Sustainable development model.www.google.com model image.2011